

ویژه نامه  
بزرگ علوی

از آلمان و ایران ...  
از ایران و آلمان ...  
ساختاری خاتلری



- زندگی نامه بزرگ علوی (به نقل از تارنمای رسمی او) :  
- کلیشه جلد کتاب : ساختاری خاتلری و حکمت در نخستین کنگره نویسندگان ایران و پاسخ علوی :  
- باقر مومنی - بزرگ علوی جوان :  
- دنبوشته از سمیرا نقره کار (به نقل از "گردون" ) :  
- بزرگ علوی : من زنده می مانم :  
- بزرگ علوی : من خودم را دانستم می دانم .

بمناسبت صدمین سال تولد و هفتمین سال خاموشی او

ساختاری خاتلری و حکمت در نخستین کنگره نویسندگان ایران و پاسخ علوی

نخستین کنگره

نویسندگان ایران

تیرماه ۱۳۲۵

شماره ۱۳۹  
۵۷/۷/۱۴



صورت انضامی که تکثیر و دعوت شده بودند

- |                         |                                   |
|-------------------------|-----------------------------------|
| ۱- آقای آذراغلی         | ۲۸- باقر زهرا خانلری              |
| ۲- آقای اعتماد زاده     | ۲۹- آقای دکتر شطیبه               |
| ۳- انراشته              | ۳۰- علی اکبر دمغدا                |
| ۴- عباس اقبال           | ۳۱- دکتر دعوی آذرخشی              |
| ۵- جلال آقا احمد        | ۳۲- بابو زال                      |
| ۶- امینی                | ۳۳- آقای حسین سیبی (ادیب السلطنه) |
| ۷- بزرگ نیا دانش        | ۳۴- سیاح                          |
| ۸- بزرگ نیا علی         | ۳۵- دکتر شایگان                   |
| ۹- بهار (مالک التمر)    | ۳۶- شکوهی                         |
| ۱۰- بهروز (ذبیح الله)   | ۳۷- شمس                           |
| ۱۱- بهنبار              | ۳۸- شهاب فردوسی                   |
| ۱۲- بزمین               | ۳۹- شهریار                        |
| ۱۳- پورداد              | ۴۰- منوچهر شیالی                  |
| ۱۴- تھوی                | ۴۱- سیبی                          |
| ۱۵- تولی                | ۴۲- صدارت                         |
| ۱۶- دکتر جریانی         | ۴۳- دکتر صورتگر                   |
| ۱۷- جلی                 | ۴۴- طاعتی                         |
| ۱۸- جواهری              | ۴۵- طباطبائی                      |
| ۱۹- چوبک                | ۴۶- طبری                          |
| ۲۰- حالت                | ۴۷- هلوی (بزرگ)                   |
| ۲۱- سبب المهی           | ۴۸- هلوی (برنو)                   |
| ۲۲- حجازی (مطیع الدوله) | ۴۹- دکتر علی آبادی                |
| ۲۳- حسرت زاده           | ۵۰- فرات                          |
| ۲۴- علی امیر حکمت       | ۵۱- فروزانفر                      |
| ۲۵- بانو قزوین حکمت     | ۵۲- قلمفی                         |
| ۲۶- آقای حسینی شیرازی   | ۵۳- فیاض                          |
| ۲۷- دکتر خانلری         | ۵۴- غریب (میرزا عبدالمطیع سان)    |

— د —

- |                          |                  |
|--------------------------|------------------|
| ۵۵- آقای فخرسان          | ۶۷- آقای معینیان |
| ۵۶- میرزا محمد جان فروزش | ۶۸- میری         |
| ۵۷- کذاورز (کریم)        | ۶۹- مؤیدنابین    |
| ۵۸- کبابی                | ۷۰- میلانی       |
| ۵۹- کیا                  | ۷۱- ناصحی (علی)  |
| ۶۰- کرکای                | ۷۲- نفیسی        |
| ۶۱- گلچین                | ۷۳- نوآب صفا     |
| ۶۲- گامادی               | ۷۴- نوشین        |
| ۶۳- بانو مهتبه محضری     | ۷۵- نینا         |
| ۶۴- مدرس رضوی            | ۷۶- هدایت        |
| ۶۵- مزده                 | ۷۷- ممالی        |
| ۶۶- دکتر معین            | ۷۸- یقینانی      |

# برنامه نخستین کنگره نویسندگان ایران

تیر ماه ۱۳۲۵

## دستورات کلی مذاکرات کنگره

- ۱ - افتتاح توسط جناب آقای مستشار الدوله .
- ۲ - سخنرانی جناب آقای حکمت در باره نظم معاصر ایران .
- ۳ - سخنرانی آقای دکتر پرویز خالطری در باره نشر معاصر ایران .
- ۴ - سخنرانیهای فرعی دوباره اهمیت انتقاد در ادبیات توسط بانودکتر فاطمه سیاح و آقای احسان طبری .

### برنامه

- سه شنبه ۴ تیر ماه ساعت ۶ تا ده عصر**  
افتتاح کنگره توسط جناب آقای مستشار الدوله و تبریک ورود به میهمانان و اظهارات جناب آقای وزیر فرهنگ . سخنرانی جناب آقای حکمت در باره نظم معاصر ایران ( مدت سه ساعت با یک تنفس ده دقیقه ) .
- چهارشنبه ۵ تیر ماه ساعت ۶ تا ده عصر**  
بحث در اطراف سخنرانی جناب آقای حکمت ( مدت بحث دو ساعت ، هر یک نگرشهایی پانزده دقیقه حق صحبت دارد . پس از آن مدت دو ساعت آثار منظوم قرائت خواهد شد . بترتیب الفباء ) .
- پنج شنبه ۶ تیر ماه ساعت ۶ تا ده عصر**  
قرائت قطعاتی از شاعران معاصر ( برای هر یک از ۱۵ تا ۲۰ دقیقه . بترتیب حروف الفباء ) .

**جمعه ۷ تیر ماه ساعت ۷ عصر**  
کنسرت .

**شنبه ۸ تیر ماه ساعت ۶ تا ده عصر**  
سخنرانی آقای دکتر پرویز خانلری در باره نشر معاصر ایران ( سه ساعت با یک تنفس بیست دقیقه ) .

**یکشنبه ۹ تیر ماه ساعت ۶ تا ده عصر**  
بحث در اطراف سخنرانی آقای دکتر پرویز خانلری ( مدت بحث دو ساعت ، وقت سخنرانی برای هر یک منتهی پانزده دقیقه ) پس از آن دو ساعت قرائت آثار منظوم بترتیب الفباء .

**دو شنبه ۱۰ تیر ماه ساعت شش تا ده عصر**  
قرائت آثار منظوم بترتیب الفباء ( برای هر یک از ۱۵ تا ۲۰ دقیقه ) .

**سه شنبه ۱۱ تیر ماه ساعت شش تا ده عصر**  
سخنرانی فرعی توسط بانو سیاح و آقای طبری در باره اهمیت انتقاد در ادبیات ( هر یک چهار دقیقه ) .  
پایان کنگره و تعلق های جناب آقای مستشار الدوله و جناب آقای وزیر فرهنگ و دیگران .  
تبریک ۱۱ آقایانیکه میخواهند در بحث شرکت کنند و با آثار خود را قرائت نمایند باید قبلا نام خود را در دفتر کنگره ثبت رسانند .

نسخه ای که ما از چهار سخنرانی علی اکبر حکمت ، وزیر فرهنگ وقت ، داریم برخوردار از کیفیت جایی بسیار نامطلوبست و علیرغم تمام تلاشمان ، نتوانستیم آنرا خوانا کنیم و به ناکزیر ، ابتدا جواب علوی به حکمت را می آوریم و پس آنگاه نطق خانلری را در ستایش از علوی .

### سپس آقای بزرگ علوی پشت تریبون رفتند

يك ايراد بصحبت های آقای خانلری داریم : آقای حکمت اقرار کردند و آقای خانلری هم عمل کردند . آقای حکمت فرمودند من منقد ادبی نبودم ، فقط يك تاريخچه از شعر فارسی نگفتم و آقایان خودشان باید نتیجه بگیرند . ولی این منظور کنگره نبود .

کنگره باید برای نظم و نشر آینده نتیجه بگیرد . انتقاد من آقای خانلری بآنچه ایشان فرمودند نیست بلکه انتقاد من آنچه است که ایشان فرمودند .

ما امروز در دنیائی زندگی میکنیم که در هر امری باید نقشه داشت . نقشه در اقتصاد ناچند سال پیش غریب بنظر میآمد ولی امروزه می بینیم لازم است . بقیه من باید در ادبیات هم نقشه داشت . چون نویسنده گان و هیرات نو مند و باید بدانند چگونه چگونه جامعه را رهبری نمایند . در ضمن صحبت به شعر هم اشاره میکنم ، چون فرق و فاصله بین اینتر چندین زیاد نیست .

باید بدانیم هنر چه منظور دارد و هنرمند چه وظیفه دارد

شاعر و نویسنده باید احساسات خود را بدینگونه القا کند . شاعر احساسات لطیف دارد ، دیگران هم باید بتوانند آنرا درك کنند و استفاده نمایند . شاعر و نویسنده یکطرف و دوطرف دیگر مردم واقع شده اند . دنیای امروز با دیروز فرق دارد .

در گذشته مردم کم و بیش در جهل بودند . فقط در دربار ها بود که شعر رنر خوانده میشد و طبقه حاکمه اذعان کنند ترین مردم بودند .

ولی طبقه حاکمه کنونی شرانشش با تروتش بستگی دارد و بهتر و شعر نوشته بی احتنا است .

امروز قسمت عمده خواننده گان ادبیات و مردم طبقه دوم رسوم تشکیل میدهند امروز بدون آنها هیچ کاری انجام نمیگیرد . باید بدانیم آنها چه میخواهند و آنها یا آنها بدیم .

شعرا و نویسنده گان باید خواننده گان جدید یعنی توده را بیابند . آنها نویسنده گان از عهدی این عمل برآمده و بر میآیند ؟ خیر . شعر قدیمتر از شر است مردم اولیه برای ابراز احساسات دهر میگفتند و بعداً نثر برای خواندن و نوشتن بکار آمدند . امروز مقام نثر بالاتر از مقام شعر است . بزرگترین نویسنده گان این دوره آثار نثر بجامعه تحویل داده اند .

ادبیات ما هنوز هم اسپر شعر است . هنوز شعر قرب و منزلت دارد به دلیل اینکه امروز بنگاه و اندی نثر شاعر در این جلسه حضور دارند و فقط عمده معدودی نویسنده هستند .

اگر توده مردم باید استفاده کند ، باید دید چگونه احتیاج آنها رفع می شود .

در ضمن شعر گفته شد: شاعر و نویسنده ، محصول محیط خودش است . بنا  
براین تافکری در توده نباشد کسی نمیتواند آنرا معکوس کند .  
شاعر و نویسنده رهبر جامعه است و باید آنچه ملت نادانسته احساس می  
کند ولی نمیتواند بیان کند او بیان کند و تحویل جامعه دهد .

شعرا و نویسندگان باید جلو مردم حرکت کنند و مردم را هدایت نمایند  
هنکامیکه بزرگترین شاعر ایران فردوسی درباره وحدت ملی ایران  
و روح ایرانی سخن سرایی میکرد ، هنوز این فکر در خیالنامه ایرانی رخنه و  
نفوذ نکرده بود و اگر فردوسی میخواست منتظر باشد تا مردم ایران فکر او را  
بپذیرند ، شاید لازم بود که چندین قرن صبر کند .  
شاعر انقلابی باید افکار خود را به مردم تلقین کند .

کسانی بودند که بعد از مرگشان آثار شان خوانده شد ، یعنی اینقدر  
جلو مردم بودند .

راجع بشعر گفته شد: مگر در دوره جدید عشق نیست؟ چرا شاعر راجع  
بآن ننویسد . ولی عشق منحصر بنجبا و شاهزادگان نیست ، عشق بین توده هم  
هست . عشق از زبان توده هم باید نوشته شود .  
لطافت عشق توده کمتر از عشق دیگران نیست .

دیگر از بیروان مکتب جمالزاده بزرگ علوی است . يك مجموعه از آثار او بعنوان چهدهاں در سال ۱۳۱۳ منتشر شد . این کتات شامل شش داستان است . اولی بنام چمدان داستان عاشقه است که زود رشته آن قطع میشود . دومی «قربانی» نام دارد و داستان جوانیست که بسبب حساسیت فوق‌العاده مسلول شده است . نویسنده مصیبت را در این مورد گناهکار می‌شمارد . خسرو که مرک خود را نزدیک می‌بیند با دختری که دلپاخته اوست ازدواج می‌کند و در کنار دریای خزر حجله گاهی بدوق و سلیقه ممتاز خود ترتیب می‌دهد . شب زفاف را در آن خانه میگذرانند . صبح که دوستش با مادر عروس و داماد بآن خانه میرسند دختر را با لباس عروسی در کنار دریا افتاده می‌بینند و معلوم میشود که صبح زفاف خسرو خود را بدریا انداخته است . داستان باین عبارت ختم میشود : « یکسال بعد فروغ هم بمرض سل مرد . او قربانی هم شد . اینهم قربانی او شد » عروس هزار داماد داستانی است که واقعه آن در یکی از کافه‌های جدید فرنگی مآبانه میگردد . شخص اصلی آن موسیقی دان است که در کودکی آوازی از دختری سوسن نام شنیده و عاشق آن آهنگ شده و همین عشق او را برای تحصیل موسیقی بااروپا کشانده و موسیقی دان زبردستی شده اما همیشه در حسرت آن آواز زمان کودکیست . بایران بر میگردد و سوسن را بزنی میگیرد . اما سوسن دیگر آنطور آواز نمی‌خواند . سوسن عشق میخواست و شوهرش عاشق آواز بود که دیگر نداشت . کار بطلاق میکشد . سوسنگی آوازه‌خوان کافه میشود . ساز زن که در همان کافه آمدورفت میکنند و ساز میزنند شبی در حال مستی همان آواز قدیم را از دختر می‌شنود . آوازی که عمر او را

بهدر داده بود و با این شعر حافظ خوانده میشد :

مجدورستی عهد از جهان سست نهاد  
که این عجزه عروس هزار دامادست  
قدی‌ترین و برجسته‌ترین داستان این مجموعه «سرباز سربی» است که در آن تجزیه حالات روحی مردی غیر عادی است که تقصی جنسی دارد و زنی را دوست میدارد و غیرتی شدید نسبت باو میورزد و عاقبت او را خفه میکند . تجزیه و تحلیل این داستان هم دشوار است و هم فرصت بیشتری میخواهد و باید این فرصت را جای دیگر جست . آخرین حکایت این کتاب بعنوان «مردی که پالتوی شیک تنش بود» لحن انتقاد مزاح آمیز دارد .

بزرگ علوی در ۱۳۱۵ هجری داشتن افکار آزادپخواهانه بحسب اقتاد  
 و تا ۱۳۲۰ بیرون نیامد . بعد از رهایی از زندان دو کتاب از آثار او منتشر  
 شد، یکی بعنوان «ورق پاره های زندان» که شامل پنج داستان است و دیگری بنام  
 «۵۳ نفر» که شرح حوادث گرفتاری و محاکمه و شکنجه های زندان و زندگانی  
 او و باران اوست . داستان های «ورق پاره های زندان» در محبس روی کاغذ قند و  
 سیگار و پاکت های مبره پنهانی نوشته شده و همه شرح حال زندانیان با قلم سرگذشت  
 ایشانست . از آن میان قطعه «فصل «عنو عمومی» که سالت امید و آرزوی زندانی  
 و ابرهائی و آزادی شرح میدهد و بصورت یادداشت های روزانه زندانی خطاب  
 بزین خودست بسیار مؤثر و حساس و زنده است . داستان های «یادنگ» و «رقص مرگ»  
 شرح دو جنایت است . با آنکه این دو حکایت از حیث اشتخاص و ممکن با هم  
 اختلاف دارند، هر دو در یک نکته شبیه اند و آن اینست که جنایتکاران مقصر نیستند  
 و مقصر اجتماع است . «انتظار» داستان مجبوسی است که در زندان دیوانه شده  
 است و بسیار قوی و مؤثر است .

لمیر از این دو کتاب چند داستان دیگر نیز در سالهای اخیر از علوی در  
 مجلات «سخن» و «پیام نو» منتشر شده است که شاید بزودی بصورت کتابی درآید .  
 اسلوب انشای علوی با اسلوب هدایت درست یکسان نیست . آن همه  
 استعارات و امثال و اصطلاحات نو که در آثار هدایت است در اینجا دیده نمیشود .  
 عبارات او روان و ساده و بی تکلف است . همین بی تکلفی گاهی در ساخت  
 عبارت او را بسبب انگاری و امیدارد . در روایت داستان و پیچ و خم آن استاد  
 است . اشخاص داستان او بیشتر از طبقه متوسطه و از آن میان بهترینهاست  
 توجه خاصی دارد . در آثار اخیر او بیشتر با افراد طبقات پایین برخوردیم و  
 مسائل اجتماعی در این آثار اهمیت بیشتری یافته است . علوی را پس از هدایت  
 باید از نمایندگان زبردست مکتب جدید دانست .